



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱

صص: ۳۸-۱۱

شابا چاپی: ۹۶۵۵-۲۶۴۵
الکترونیکی: ۵۲۶۹-۲۶۴۵

تحلیل جریان‌های اثرگذار در سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی ج.ا.ایران در چارچوب مدل سه جریان کینگدان

یعقوب یوسفوند^۱ | حسین مهدیان^۲ ID

چکیده

عدالت جنسیتی یکی از مباحث مهم در حوزه عدالت اجتماعی است. عدالت جنسیتی مفهومی است که در پی تحقق کامل حقوق و فرصت‌ها برای همه‌ی جنسیت‌ها می‌شود. این موضوع شامل نیمی از جمعیت کشور می‌شود. اسناد بالادستی از جمله قانون اساسی و فرامین امامین انقلاب بر تحقق این موضوع تأکید ویژه‌ای دارند. از این رو، تدوین سیاست‌های عادلانه در این حوزه از جمله وظایف مهم دولت در عرصه سیاست‌گذاری است. بررسی برنامه‌ها و سیاست‌های دولت‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، رویکردهای متفاوتی را در سیاست‌های عدالت جنسیتی نشان می‌دهد. در این پژوهش، به منظور بررسی چرایی این چرخش‌ها و رویکردهای متفاوت، تلاش شده است، به صورت کیفی و بر اساس مدل سه جریان کینگدان، جریان‌های اثرگذار در سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی ج.ا.ایران در دولت‌های با گفتمان اصلاح‌طلب، عدالت‌محور، اعتدال‌گرا و انقلابی تحلیل گردد. نتایج حاصله حاکی از آن است که تلاقی سه جریان مسئله، جریان سیاسی و جریان سیاستی در سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی دولت‌های ج.ا.ایران اثرگذار بوده و با روی کار آمدن دولت‌ها و تغییر مدیریت کلان کشور، متناسب با رویکرد و گفتمان حاکم بر آنها، سیاست‌ها و برنامه‌هایی متفاوت در حوزه مطالبات زنان و عدالت جنسیتی اخذ گردیده است.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری، عدالت جنسیتی، سه جریان کینگدان، پنجره فرصت.

۱- نویسنده مسئول: استادیار، گروه تربیت نظامی، دانشکده فرماندهی و مدیریت، دانشگاه افسری امام علی(ع)، تهران، ایران.
yousefvand.yagoob@gmail.com

۲- استادیار، گروه جغرافیای نظامی، دانشکده علوم پایه، دانشگاه افسری امام علی(ع)، تهران، ایران.

استناد: یوسفوند، یعقوب؛ مهدیان، حسین. (۱۴۰۴). تحلیل جریان‌های اثرگذار در سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی ج.ا.ایران در چارچوب مدل سه جریان کینگدان؛ فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، ۲۰(۷۰)، ۴۶-۱۱. DOR: 20.1001.1.26454955.1404.20.70.3.7

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

عدالت جنسیتی موضوعی است که به تقسیم مسئولیت‌ها متناسب با استعداد زن و مرد اشاره دارد. از منظری دیگر، عدالت جنسیتی واکنشی است در پاسخ به اندیشه‌ی شیء‌انگارانه‌ی زن و تبعیض بین مرد و زن که در تاریخ زیست بشر وجود داشته است و سرنوشت زن مقهور اراده‌ی مرد بوده است. امروزه نهادها و جنبش‌هایی به منظور برقراری عدالت جنسیتی و احقاق حقوق زنان در جامعه جهانی شکل گرفته و دولت‌ها را موظف به تدوین سیاست‌هایی در راستای برقراری عدالت جنسیتی نموده است. به هر حال، استقرار عدالت میان زنان و مردان، متناسب با جنسیت آنان در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یکی از مباحث پیچیده و چالش‌برانگیز در حوزه سیاست‌گذاری دولت‌ها محسوب می‌شود و تحقق آن مستلزم سیاست‌گذاری هوشمند در این حوزه است. در گفتمان رسمی ج.ا.ایران به‌رغم اینکه توجه به مسائل و حل مشکلات زنان به منزله‌ی رکن اساسی خانواده و جامعه‌ی اسلامی همراه با ارتقاء جایگاه سیاسی- اجتماعی آنان، به عنوان یک اصل اساسی و تحت عنوان عدالت جنسیتی در اسناد بالا دستی کشور نمود پیدا کرده است، (اصول ۳ (بند ۱۴)، ۲۰، ۱۰، ۲۱، ۲۸، ۲۹، ۳۰ از قانون اساسی ج.ا.ایران) اما در عمل و در بستر سیاست‌گذاری این اصل با تفاسیر گفتمانی گوناگونی معنابخشی شده است و به تبع آن برون‌دادهای سیاستی متفاوتی را در حوزه‌ی سیاست‌گذاری به وقوع پیوسته است. برای مثال، در برنامه‌ی چهارم توسعه (ماده ۱۱۱) با زمینه‌سازی برنامه‌ی سوم توسعه، شاهد برجسته‌سازی فردیت زن با مفاهیم مشارکت، توسعه و توانمندسازی زنان در قالب اشتغال و برابری فرصت‌ها هستیم اما در برنامه پنجم (ماده ۲۳۰) با به حاشیه راندن فردیت زن، اشتغال و توانمندسازی زنان عملاً در بستر مفهومی «زن در خانواده» و اولویت حفظ خانواده دیده می‌شود و در نهایت در برنامه ششم توسعه (ماده ۸۰ بند ت، ماده ۱۰۱، ۱۰۲ و ۱۰۳ بند ب) مفهوم عدالت جنسیتی و لزوم برنامه‌ریزی حساس به جنسیت با رویکردی مشابه به برنامه‌ی چهارم توسعه چرخشی قابل توجه می‌کند. چرخش‌هایی که نتیجه رقابت بازیگران چندگانه‌ی سیاست برای تسلط بر فرآیند سیاست‌گذاری بوده است (سلیمی و کاظمی، ۱۴۰۰: ۲۷۱).

حاصل چنین چرخش‌ها و رویکردهای متفاوتی به سیاست‌گذاری در حوزه عدالت جنسیتی، توسعه نامتوازن و ناقص عدالت جنسیتی بوده که این امر دستاویز دشمنان نظام و انقلاب در جنگ

شناختی قرار گرفته و منجر به دامن زدن به نارضایتی بخش قابل توجهی از زنان در جامعه شده است. بر این اساس، مسئله اصلی این پژوهش این است که چرا دولت‌ها در اتخاذ سیاست‌های عدالت جنسیتی، رویکردهای متفاوتی را اعمال می‌کنند؟ افزون بر این، چگونه می‌توان این تغییر رویکردها در سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی ج.ا.ایران را تحلیل و تبیین نمود؟

برای پاسخ به این سوال و با توجه به تقابل گفتمان‌های حاکم بر نظام سیاست‌گذاری کشور، سعی شده است بر مبنای مدل سه جریان کینگدان موضوع سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. یکی از نظریه‌هایی که در جهت تبیین تغییر سیاست‌ها از آن استفاده می‌شود، مدل کینگدان است.

تعریف مفاهیم

عدالت جنسیتی: عدالت جنسیتی را می‌توان تعدیل عدالت اجتماعی در حوزه جنسیت دانست. عدالت جنسیتی اشاره به مبنایی دارد که بر اساس آن، منابع و امکانات به صورت غیر تبعیض‌آمیز میان زنان و مردان تقسیم شوند (میروسی نیک، ۱۳۹۴: ۴۸). به عبارتی دیگر، «رعایت تناسب مردان و زنان در دسترسی به همه امکانات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به گونه‌ای که هریک از دو جنس، متناسب با خصایص زنانه یا مردانه از همه امکانات برخوردار شوند و هیچ‌گونه ستم یا اجحافی در حق آنان نشود» (علاقه‌بند حسینی، ۱۳۹۳: ۲۸). عشقی صحرایی، عدالت جنسیتی را «تساوی در حقوق مربوط به هویت انسانی و تعادل و توازن در حقوق مربوط به جنسیت افراد» می‌داند (عشقی صحرایی، ۱۳۹۶: ۱۷۶). از نظر او هویت انسانی اساساً جنسیت بردار نیست، اما تفاوت‌های بیولوژیک میان زن و مرد انکارناپذیر است و همین تفاوت‌ها منشأ تفاوت در حقوق نیز می‌گردد. بنابراین نابرابری در حقوق همواره ظلم نیست و هر تبعیضی میان زنان و مردان ستم تلقی نمی‌شود (شجریان، ۱۳۹۹: ۴۱). البته برخی بر برابری جنسیتی تأکید دارند ولی مورد پذیرش همگان نیست. چراکه معتقدند برابری جنسیتی یعنی یکسانی و هم‌وزنی زن و مرد؛ که می‌تواند موانعی را برای سیاست‌گذاری احقاق حقوق زنان بوجود آورد. این در صورتی است که مرد و زن ذاتاً از استعدادها و توانمندی‌های متفاوتی برخوردارند، بنابراین باید متناسب با ذات و استعداد زن و مرد، حقوق آنها پرداخته شود.

«در اسناد بین‌المللی و رویه نهادهای حقوق بشری بر مقابله با نابرابری جنسیتی با هدف تحقق برابری جنسیتی در تمام شئون فردی، خانوادگی و اجتماعی میان زنان و مردان تأکید شده است و شاخص‌هایی را به منظور سنجش وضعیت زنان در عرصه‌های مختلف ارائه، و در بین کشورهای جهان هر ساله مورد سنجش قرار می‌دهند» (امین‌آقایی و مشتاقیان: ۳۴۹ و ۳۵۱). ولی این رویکرد به طور کامل مورد پذیرش و قبول همه اعضای جامعه بین‌المللی از جمله برخی دولت‌های اسلامی قرار نگرفته است. طی سال‌های اخیر تلاش قابل توجهی در جهت طرح و تبیین مفهوم عدالت جنسیتی به عنوان جایگزین برابری جنسیتی صورت گرفته است. هیات ایرانی نیز در اجلاس پکن (۱۹۹۵) برای اولین بار اعلام نمود که مفهوم عدالت را به جای برابری به کار خواهد گرفت. این مفهوم از عدالت جنسیتی بر رفع تبعیض‌ها تأکید دارد و وامدار اندیشه و تفکر اسلامی است که تساوی حقوق زن و مرد را پذیرا، اما تشابه آن را مردود می‌داند (امین‌آقایی و مشتاقیان: ۳۴۹). به طور کلی، منظور از عدالت جنسیتی در این پژوهش این است که متناسب با جنسیت زن و مرد در دسترسی به موقعیت‌ها و همه امکانات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... بین آنان تفاوت و تبعیضی وجود نداشته باشد و در حق آنان حقی ضایع نشود.

سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی: اندرسون، سیاست‌گذاری را «مجموعه‌ای هدفمند از اقدام یا عدم اقدام که از جانب یک بازیگر یا گروهی از بازیگران برای رسیدگی به یک مسئله یا دغدغه اتخاذ می‌شود» (Anderson, 1994: 5)، تعریف می‌کند. هارلد لاسول، سیاست‌گذاری را در معنای عام، «برگزیدن مهم‌ترین انتخاب‌ها در زندگی سازمان‌یافته (عمومی) یا در زندگی خصوصی» (lasswell, 1951: 5) می‌داند. بر این اساس می‌توان گفت، سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی انتخاب گزینه مطلوب برای حل مسائل زنان است. به عبارتی، سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی در پاسخ به مطالبات و حقوق زنان مطرح است و «هدف اصلی آن تأمین حقوق و منافع زنان در برنامه‌های کلی نظام اجتماعی است» (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۳). در مجموع، آنچه در سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی به آن پرداخته می‌شود، مسئله بی‌عدالتی جنسیتی در حوزه‌های مختلف است که به عنوان یک مسئله عمومی در بین زنان جامعه فراگیر شده و خواستار حل مسئله از سوی دولت، و ایجاد تعادل و عدالت در دسترسی زن و مرد به موقعیت‌ها و امکانات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... هستند. خروجی نظام سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی، سیاست

جنسیت است، «که به معنای مجموعه اقدامات و کنش‌هایی است که برای تأثیرگذاری بر جایگاه و حقوق زنان و مردان و الگوهای روابط میان این دو در سطوح مختلف زندگی اجتماعی و سیاسی صورت می‌گیرد» (صادقی، ۱۳۹۸: ۶۳).

پیشینه پژوهش

مرتبط با موضوع این پژوهش، تحقیقات مناسبی انجام گرفته است، که در ادامه به اختصار به چند نمونه از این پژوهش‌ها اشاره شده است.

۱- مهدی شجریان (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی رویکردهای رایج در مفهوم عدالت جنسیتی" تلاش نموده با مطالعه آثار معاصر فمینیستی و نویسندگان فارسی‌زبان در باب عدالت جنسیتی، به صورت کلی، دو رویکرد در تعریف عدالت جنسیتی شامل «عدالت مساواتی» یعنی برابر زن و مرد در همه ساحت‌ها و «عدالت استحقاقی» یعنی عدالت برپایه استحقاق زن و مرد را اصطیاد نماید. به باور این مقاله، رویکرد عدالت استحقاقی، کامل‌ترین رویکرد در تعریف عدالت جنسیتی است و باید معنای «عدالت استحقاقی در مورد زنان و مردان» را اراده کرد.

۲- رضا صفری شالی (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان "تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در لوایح و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران" درصدد پاسخگویی به این پرسش است که دولت‌های بعد از انقلاب اساساً چه رویکردی به مقوله «عدالت جنسیتی» داشته‌اند؟ یافته‌های حاصل که مربوط به تحلیل گفتمان متون لوایح پنج برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بوده و مبین رویکرد دولت‌های سازندگی، اصلاحات و عدالت‌محور به مقوله عدالت جنسیتی هستند، حاکی از آن‌اند که دال شناور «عدالت اجتماعی»، ذیل گفتمان کلان انقلاب اسلامی، در قالب نشانه مرکزی «عدالت جنسیتی» مسدود و در مفصل‌بندی این گفتمان، حول نشانه مرکزی مذکور، نظام معنایی‌ای متشکل از دال‌های اصلی «توانمندی زنان»، «اشتغال زنان»، «حجاب و عفاف زنان» و «امنیت زنان» شکل گرفته است.

۳- سوسن باستانی و کوثر خسروی دهقی (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان "موانع و چالش‌های سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی" به دنبال شناسایی و مطالعه‌ی موانع و چالش‌های سیاست‌گذاری بر مبنای عدالت جنسیتی از نگاه صاحب‌نظران است. براساس یافته‌های پژوهش

کلیدی‌ترین چالش‌های سیاست‌گذاری بر مبنای عدالت جنسیتی شامل عدم وفاق درباره تعریف عدالت جنسیتی، سیاست‌زدگی، ضعف در برنامه‌نویسی و ضعف داده و آمار است و از مهم‌ترین لوازم سیاست‌گذاری بر مبنای عدالت جنسیتی، مصداقیابی و ارائه‌ی تعریف برای عدالت جنسیتی می‌باشد

۴- ناهید سلیمی و سیدحسین کاظمی (۱۴۰۰)، در مقاله‌ای با عنوان "گفتمان‌ها و روایت‌های خط‌مشی‌گذاری عدالت‌جنسیتی در ایران: واکاوی علل و جهات تکثر برنامه‌ها و خط‌مشی‌ها" کوشیده است با تأکید بر این امر که خط‌مشی‌های عدالت جنسیتی در ایران در دو دهه‌ی اخیر متکثر و متعارض بوده‌اند، به واکاوی دلایل و نحوه‌ی ایجاد تشتت در فرایند خط‌مشی‌گذاری با محوریت نقش‌آفرینی بازیگران پیدا و پنهان بپردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که متأثر از تعدد گفتمانی خرده‌سیستم‌ها، خط‌مشی‌های رسمی حوزه‌ی زنان و خانواده با محوریت عدالت جنسیتی در بسیاری از موارد دچار تعدد جهات نهایی هستند. به طور مشخص، زمانی که دال‌های اصلی خط‌مشی‌ها با روایت‌های بازیگران مقایسه می‌شود، نفوذ قدرت غیرمستقیم ائتلاف‌های گفتمانی در فرآیند مسئله‌شناسی و راه‌حل‌دهی خط‌مشی‌گذاری کاملاً مشهود است.

۵- الهه صادقی (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان "سیاست جنسیت در ایران معاصر: نقش دولت در تغییر وضعیت و حقوق زنان (۱۳۹۲-۱۳۷۰)" بیان می‌دارد سیاست جنسیت در ایران معاصر نوسان‌های فراوانی به خود دیده اما در مجموع تغییرات قابل ملاحظه‌ای را در وضعیت زنان به همراه داشته است. مقاله نشان می‌دهد که سیاست جنسیت در ایران معاصر متأثر از سه متغیر «قدرت جنبش زنان»، «گرایش‌های دولت» و «مواضع دیگر نیروهای اجتماعی» و در قالب سه الگوی «الگوی محافظه‌کارانه»، «الگوی اصلاحات آمرانه» و «الگوی اصلاحات دموکراتیک» بوده است.

چارچوب نظری و روشی پژوهش

این پژوهش، از نظر ماهیت و روش، پژوهشی توصیفی-تحلیلی است که تلاش شده از طریق اسنادی (کتابخانه‌ای) اطلاعات و داده‌های لازم گردآوری، و به شیوه کیفی و بر اساس مدل سه جریان کینگدان به تحلیل موضوع پرداخته شود.

یکی از الگوهایی که در اتخاذ سیاست گذاری‌ها کاربرد فراوان داشته و دارد، مدل چند جریان از سوی کینگدان می‌باشد. این مدل خروجی نظام سیاست گذاری را حاصل ترکیب و تلفیق سه جریان عمده می‌داند (توسلی، ۱۳۸۷: ۷۹). کینگدان در نوشته خود با عنوان "دستورهای کاری، راه‌های جایگزین و سیاست‌های عمومی" به ارائه این مدل می‌پردازد. او در این نوشته، عوامل مؤثر بر ایجاد دستورکار سیاست گذاری را در چارچوب جریان‌های زیر به تصویر می‌کشد (ملک محمدی، ۱۳۹۴: ۴۴).

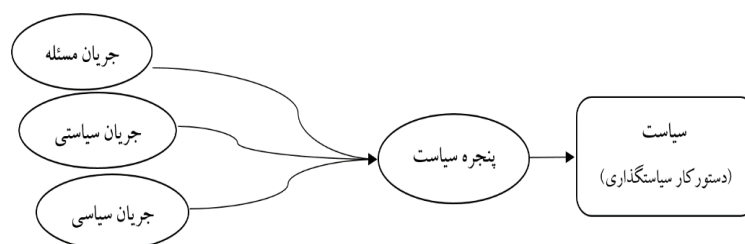
الف - جریان مسئله: در ارتباط با مشکلات یا چالش‌ها و موضوعاتی است که مورد توجه جامعه واقع شده‌اند. توده مردم، نخبگان، گروه‌ها و احزاب ذی‌نفوذ با حساسیت، علت‌ها یا دلایل و نتایج یا پیامدهای مسئله را مورد بررسی، بحث و مذاکره قرار می‌دهند. رویدادها و حوادث بوجود آمده و نقص یا کمبود ایجاد شده، از زوایای مختلف مورد ریشه‌یابی و تحلیل قرار می‌گیرد. سیاست‌گذار می‌کوشد فرآیند شکل‌گیری، روابط علت و معلولی سلسله پیامدها و نتایج را در ارتباط با تصمیمات و سیاست‌های قبلی مورد سنجش قرار دهد. مجموعه این تحلیل‌ها، افکار عمومی را به این درک می‌رساند که دولت باید در این زمینه وارد عمل شده و برای چگونگی تعامل با مسئله، تصمیم‌گیری نماید (دانشفرد، ۱۳۹۳: ۱۳۵).

ب- جریان سیاستی: عمدتاً بر روی نحوه حل مسئله متمرکز است. این جریان از طریق بکارگیری تکنولوژی حل مسئله، روش‌ها و الگوهای تصمیم‌گیری با قانع‌سازی افکار عمومی سروکار دارد. همچنین از همین طریق با جلب مشارکت مردم، نظرات کارشناسان، تحلیل‌گران و صاحب‌نظران دریافت گردیده و راه‌حل‌های مقتضی اتخاذ می‌گردد. راه‌حل‌ها، بیشتر متکی به واقعیت‌ها و امکانات است و از درون مسئله استخراج می‌شوند (دانشفرد، ۱۳۹۳: ۱۳۵). جریان سیاستی شامل معجونی از ایده‌هاست که برای کسب پذیرش در شبکه‌های سیاست رقابت می‌کنند. بدیل‌های سیاست و طرح‌های پیشنهادی بیرون از آنچه کینگدان "خوارک اولیه سیاست" می‌نامد، شکل می‌گیرد (عباسی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۳).

ج - جریان سیاسی: جریان سیاسی از طریق رقابت‌های سیاسی، بده و بستان گروه‌های ذی‌نفوذ شکل می‌گیرد. جریان‌های سیاسی رقیب از طریق تعامل و همکاری یا فشارهای ناشی از رقابت در تلاش برای پذیرش یا رد «یک دیدگاه» می‌باشند. جامعه از وجود چنین نیروهایی آگاهی دارد و خود این جریان نیز از طریق اعلان نظر و اتخاذ موضع، طرف‌های درگیر یا رقیب را به جامعه

معرفی می‌کند. عوامل مؤثر نیز با تشکیل گروه‌های موافق یا مخالف، به تقابل یا تبادل نظر پرداخته و میزان نفوذ آنها، نتیجه را مشخص خواهد ساخت (دانشفرد، ۱۳۹۳: ۱۳۵). به نظر کینگدان، انتخابات‌ها و گرایش ملی تعیین می‌کنند که آیا یک مسئله به مکان قابل پذیرشی دست پیدا می‌کند یا نه. تحولی عمده در ایدئولوژی سیاسی ملی و یا انتخاباتی جریان‌ساز می‌تواند به تحولی عمده در نوع سیاست‌هایی بینجامد که زی توجه مقامات منتخب در می‌آیند. شرایط موجودی که سابقاً جزئی از مسائل لحاظ نمی‌شدند، ناگهان وارد دستور کار حکومت می‌شوند. جریان سیاسی با دادوستدی میان مقامات منتخب، رأی‌دهندگان و نیروی‌های سیاسی سازمان‌یافته توصیف می‌شوند (اسمیت و لریمر، ۱۳۹۶: ۱۵۷).

کینگدان می‌گوید وقتی این سه جریان به یکدیگر می‌گرایند، این هم‌گرایی به خلق یک پنجره سیاست برای تغییر ناگهانی سیاست‌گذاری می‌انجامد. با این حال، نکته مهم در اینجا است که جریان مسئله و جریان سیاسی هستند که پنجره را می‌گشایند. برای آنکه تغییری عمده رخ دهد، پیشگام چیره‌دست سیاست‌گذاری، که در درون جریان سیاست‌گذاری فعالیت دارد، باید قادر به تشخیص بختی باشد که پنجره در اختیار می‌گذارد. نقش پیشگام سیاست‌گذاری این است که سه جریان را پیش از آن که بسته شود، به هم اتصال دهد. به نظر کینگدان، پنجره ممکن است به سرعت و بی‌خبر بسته شود (اسمیت و لریمر، ۱۳۹۶: ۱۵۷): «وقتی پنجره‌ای گشوده می‌شود، دیری نمی‌پاید که بسته می‌شود» (kingdon, 1995: 169). اتصال ناقص زمانی است که یک یا دو جریان بدون حضور جریان‌های دیگر پیوند می‌یابند، به ندرت موجب تغییر سیاست می‌شوند (kingdon, 1995: 201). مدل مفهومی کینگدان:



یافته‌های پژوهش

فهم و تحلیل چگونگی قرار گرفتن مسئله عدالت جنسیتی در دستور کار دولت‌ها و شیوه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری راجع به آن، مستلزم شناخت جریان‌ها، بازیگران و گفتمان‌های حاکم بر

نظام سیاست‌گذاری است. اینکه، چرا دولت‌ها به برخی مسائل توجه می‌کنند اما به برخی دیگر توجه نمی‌کنند؟، چه کسی تصمیم می‌گیرد که مشکل چیست و آیا مستحق توجه و اقدام دولت است؟، چه زمانی و چرا سیاست‌ها تغییر می‌کنند؟، آیا به این دلیل است که مشکل حل شده است، یا دوباره تعریف شده است یا چیز دیگری است؟، به شناخت جریان‌ها، بازیگران سیاسی و میزان نفوذ آنان در نظام سیاست‌گذاری بستگی دارد. در بعد از انقلاب اسلامی با روی کار آمدن دولت‌های مختلف و تغییر بازیگران نظام سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری در خصوص برخی مسائل مختلف همچون مسئله عدالت جنسیتی، مبتنی بر تغییر نگرش‌ها و رویکردها، با تغییراتی روبه‌رو بوده است؛ که برای تبیین چرایی تغییر سیاست‌های جنسیتی در دولت‌های بعد از انقلاب، در ادامه سعی شده است براساس مدل سه جریان کینگدان، سیاست‌های جنسیتی دولت‌های اصلاحات، پیشرفت و عدالت، تدبیر و امید و دولت آقای رئیسی در چارچوب برنامه‌های توسعه مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد. البته با توجه به دوران جنگ و شرایط اقتصادی - سیاسی پس از جنگ، به واسطه باز نشدن پنجره سیاسی (عدم تلاقی جریان مسئله، جریان سیاسی و جریان سیاستی)، مسئله زنان و عدالت جنسیتی در اولویت رسیدگی دولت‌های اول انقلاب و دولت سازندگی قرار نگرفته است. به طوری که در برنامه اول و دوم توسعه، با نگاه حداقلی به موضوع حقوق زنان و عدالت جنسیتی پرداخته است. بنابراین از بررسی وضعیت سیاست جنسیتی این دوران خودداری شده است.

سیاست‌های جنسیتی دولت هفتم و هشتم

الف- جریان مسئله: در دولت اصلاحات، با توجه به شعارهای این دولت، مقوله‌ی زنان و مسئله‌ی عدالت جنسیتی از جمله مسائلی است که توجه دولت و سیاست‌گذاران را به خود جلب نموده است و اقداماتی را در جهت برقراری عدالت جنسیتی، در سرلوحه برنامه‌های کاری خود قرار داده است. بررسی برخی از شاخص‌های عدالت جنسیتی از جمله مشارکت سیاسی، اشتغال، بیمه و سلامت، در قبل از دولت اصلاحات، حاکی از آن است که مسئله عدالت جنسیتی علی‌رغم اقدامات خوبی که صورت گرفته است، لیکن با آرمان‌های انقلاب اسلامی، اصول قانون اساسی و مطلوب‌های مورد نظر فاصله دارد. بنابراین مسئله عدالت جنسیتی از جمله مطالبات مهم زنان در این دوره است. به عبارتی می‌توان گفت، جریان مسئله زنان، در این دوره فعال است. به همین دلیل «از مهم‌ترین نیروهای رای دهنده به دولت اصلاحات در خرداد ۷۶

زنان و جوانان بودند. چراکه وی از جایگاه ویژه زنان در برنامه‌ریزی‌های آینده خبر می‌داد. این توجه، به مشارکت قابل توجه زنان در انتخابات و ایجاد انتظار در جامعه زنان برای ارتقاء سطح مشارکت سیاسی آنان انجامید» (عباس‌نیا و مصفا، ۱۳۸۹: ۷۷).

ب- جریان سیاسی: رویکرد دولت اصلاحات، نسبت به مقوله زنان و عدالت جنسیتی متأثر از گفتمان و جریان اصلاح‌طلب است. «نشانه مرکزی این گفتمان، مشارکت زنان در توسعه بوده است. حول این نشانه، نظام معنایی‌ای مشکل از دو دال اصلی یعنی توانمندسازی زنان و ارتقاء کیفیت زندگی زنان شکل گرفته است.» (کرمی‌قهی، ۱۳۹۱: ۶۱). برخی از برنامه‌های اصلاح‌طلبان که برای ارتقاء مشارکت زنان ارائه شده بود، شامل موارد زیر بوده است:

- افزایش مشارکت زنان از طریق نهادهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و غیر دولتی.
- ایجاد زمینه‌های لازم برای بهره‌گیری از توان زنان نخبه.
- حمایت اقتصادی، اداری و تقنینی از زنان.
- فراهم‌سازی امکان دسترسی زنان به فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، سیاسی و مدیریتی.
- تقویت بنیان خانواده و ترویج فرهنگ مشارکت اعضای آن در اداره‌ی منزل.
- ارتقاء منزلت زن ایرانی.
- بازنگری و تنظیم قوانین و مقررات منطبق با شرایط اجتماعی زن و مراقبت از کیان خانواده. (عباس‌نیا و مصفا، ۱۳۸۹: ۸۲)

د- جریان سیاستی: سیاست‌هایی را که گفتمان اصلاحات، به عنوان راه حل مسئله زنان و عدالت جنسیتی می‌داند، در برنامه سوم و چهارم توسعه، تنظیم و تدوین نموده است که در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۱: برنامه توسعه سوم و چهارم با تأکید بر حل مسئله زنان و عدالت جنسیتی

برنامه	قسمت	بند	شرح برنامه
سوم توسعه	فصل ۲۱	ماده ۱۵۸	مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری موظف است در جهت زمینه‌سازی برای ایفای نقش مناسب زنان در توسعه کشور و تقویت نهاد خانواده، ضمن انجام مطالعات لازم با همکاری دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط اقدامات ذیل را به عمل آورد: الف - با بهره‌گیری از اصول و مبانی اسلامی و با در نظر گرفتن تحولات آینده

برنامه	قسمت	بند	شرح برنامه
			جامعه، نیازهای آموزشی و فرهنگی و ورزشی خاص زنان را شناسایی کرده و طرح‌های مناسب را برحسب مورد از طریق دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط تهیه و برای تصویب به مراجع مربوط پیشنهاد کند. ب - طرح‌های لازم برای افزایش فرصت‌های اشتغال زنان و ارتقاء شغلی آنان در چارچوب تمهیدات پیش‌بینی شده در این قانون و متضمن اصلاحات ضروری در امور اداری و حقوقی را تهیه و به منظور تصویب به هیأت وزیران ارائه کند. ج - با سازماندهی فعالیت‌های مطالعاتی مشترک با دستگاه‌های مسئول در قوه قضائیه، طرح‌های لازم برای تسهیل امور حقوقی و قضائی زنان را تهیه و بر حسب مورد از طریق دستگاه‌های مسئول پیگیری کند. د - برای بهره‌گیری از خدمات مختلف اجتماعی زنان در زمینه‌های مالی، حقوقی، مشاوره‌ای، آموزشی و ورزشی، طرح‌های لازم با اولویت قائل شدن برای زنان خودسرپرست و بی‌سرپرست مناطق توسعه نیافته یا کمتر توسعه یافته و گروه‌های محروم جامعه در زمینه حمایت از تشکیل سازمان‌های غیردولتی، تهیه و برحسب مورد به دستگاه‌های اجرایی یا دولت منعکس کند تا پس از تصویب از طریق دستگاه‌های ذی‌ربط اجرا شوند. ه - گزارش عملکرد سالیانه دستگاه‌های اجرایی را در زمینه اجرای مفاد این ماده به هیأت وزیران ارائه کند.
چهارم توسعه	فصل نهم	ماده ۱۱۱	دولت موظف است با هدف تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت آنها در کشور، اقدام‌های ذیل را معمول دارد: الف - تدوین، تصویب و اجرای برنامه جامع توسعه مشارکت زنان مشتمل بر بازنگری قوانین و مقررات، به ویژه قانون مدنی، تقویت مهارت‌های زنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری، شناسایی و افزایش ساختارهای سرمایه‌گذاری در فرصت‌های اشتغال‌زا، توجه به ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار، ارتقاء کیفیت زندگی زنان و نیز افزایش باورهای عمومی نسبت به شایستگی آنان. ب - تنظیم و ارائه لوایح، مربوط به تحکیم نهاد خانواده جهت تصویب در مراجع ذی‌صلاح. ج - انجام اقدام‌های لازم از جمله تهیه برنامه‌های پیشگیرانه و تمهیدات قانونی و حقوقی به منظور رفع خشونت علیه زنان.

برنامه	قسمت	بند	شرح برنامه
			د - تقدیم لایحه حمایت از ایجاد و گسترش سازمان‌های غیردولتی، نهادهای مدنی و تشکل‌های زنان به مجلس شورای اسلامی. تبصره - کلیه دستگاه‌های اجرایی موظفند اعتبار لازم برای انجام تکالیف قانونی موضوع این ماده را که مرتبط با وظایف قانونی آنها است در لوائح بودجه سنواتی ذیل برنامه مربوط، پیش‌بینی و اقدام‌های لازم را با هماهنگی مرکز امور مشارکت زنان به‌عمل‌آورند.

سیاست جنسیتی دولت نهم و دهم (دولت عدالت محور)

الف - جریان مسئله: با روی کار آمدن دولت عدالت‌محور، با توجه به رشد روندهای مثبت در موضوع زنان و عدالت جنسیتی در دوره‌های قبل، همچنان برخی مسائل حل نشده در حوزه زنان به ویژه در موضوعات حقوق و آسیب‌های پنهانی اجتماعی وجود داشت که دولت بایستی در راستای حل این مسائل اقدام نماید. دولت نهم با نگاهی کلان به مقوله عدالت برای زن و مرد، سعی در تحقق چنین عدالتی در قالب نهاد اساسی خانواده داشته و بر این باور بود که به سبب شکل‌گیری نهاد خانواده و تحکیم آن است که زنان و مردان می‌توانند جایگاه واقعی و عادلانه خود را یافته و ایفای نقش نمایند (صفری‌شالی، ۱۳۹۴: ۳۲). بنابراین در دولت عدالت‌محور مقوله زنان و عدالت جنسیتی ذیل نهاد خانواده قرار می‌گیرد.

ب - جریان سیاسی: کارگزار برنامه پنجم توسعه، دولت دهم با گفتمان اصول‌گرا است. این گفتمان در آغاز کار، نام مرکز مشارکت زنان را به "مرکز امور زنان و خانواده" تغییر داد. به زبان تحلیل گفتمانی، گفتمان اصول‌گرا - بر اساس نگرش خانواده محور اسلام - با این تغییر نام، به ساختار شکنی از دال مرکزی گفتمان اصلاحات که همانا مشارکت زنان بود، پرداخته و با ایجاد تزلزل در نظام معنایی تثبیت یافته آن و غیریت‌سازی آن، شروع به مفصل‌بندی گفتمان خود با نشانه مرکزی "خانواده محوری" کرده است (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۲). جریان سیاسی حاکم بر دولت نهم و دهم با رویکرد اصول‌گرایی، زن و عدالت جنسیتی را در چارچوب خانواده تعریف می‌کند و راهکار را در تقویت خانواده می‌دانند. بر این اساس «گفتمان اصول‌گرایی دولت نهم و دهم، سیاست‌های خود مبنی بر اشتغال‌خانی و دورکاری زنان و کاهش ساعات کاری زنان را به عنوان راهبردهای تقویت خانواده معرفی کرده و به ساختار شکنی از الگوی اشتغال تمام وقت می‌پردازد. گزاره‌های تأمین آموزش‌های مورد نیاز متناسب با نقش دختران و

پسران و تضمین دسترسی به فرصت‌های عادلانه آموزشی به تناسب جنسیت، دلالت بر مدلول عدالت آموزشی داشته و بار معنایی آن را به طور کامل پوشش می‌دهند. بازنگری در قوانین و مقررات مربوطه را به دلیل اینکه سمت و سوی بازنگری قوانین مشخص نیست، نمی‌تواند به مثابه عدالت حقوق در نظر گرفت؛ اما می‌توان ادعا کرد که همراهی نشانه تحکیم خانواده با این گزاره بازگویی سمت‌گیری اصلاح قوانین در جهت تحکیم خانواده است که هرگونه معنای احتمالی دیگر را طرد می‌کند (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۳). قرائتی که جریان اصول‌گرایی، از مسئله زنان و عدالت جنسیتی دارند، را در گزاره‌های زیر می‌توان بیان نمود:

۱- تأکید بر نقش زنان در بستر خانواده؛

۲- گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه و ترویج آن در ادارات و محیط‌های شغلی؛

۳- آموزش و گسترش اشتغال زنان متناسب با نقش‌های جنسیتی؛

۴- توجه به برنامه‌ها و سیاست‌هایی در راستای ایجاد تعادل میان اشتغال و نقش‌ای خانگی» (شاهسونی و مولایی، ۱۳۹۴).

طرح بیمه مهریه، لایحه دورکاری زنان، افزایش مرخصی زایمان، لایحه مرخصی سه ساله به دانشجویانی که مادر می‌شوند، لایحه تقلیل ساعات کاری زنان شاغل را می‌توان در چارچوب راهکارهای این گفتمان مطرح کرد.

د- جریان سیاستی:

سیاست‌هایی را که گفتمان عدالت‌محور و پیشرفت، به عنوان راه حل مسئله زنان و عدالت جنسیتی می‌داند، در برنامه پنجم توسعه، تنظیم و تدوین نموده است که در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول شماره ۲: برنامه توسعه پنجم با تأکید مسئله زنان

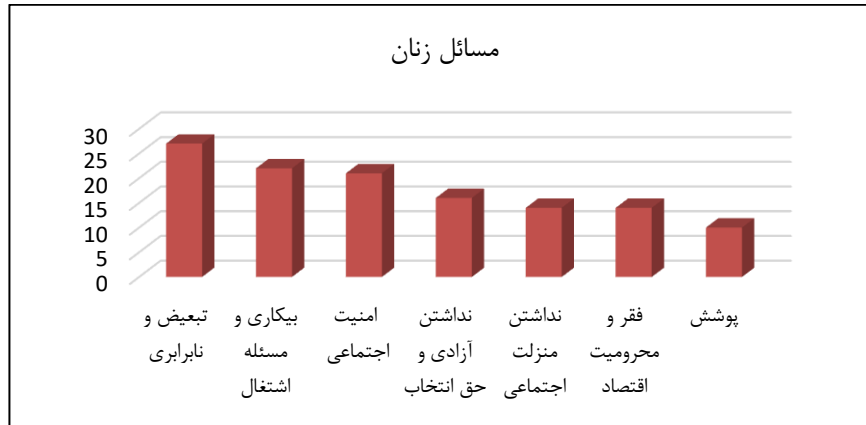
برنامه	قسمت	بند	شرح برنامه
پنجم توسعه	فصل نهم	ماده ۲۳۰	دولت با همکاری سازمان‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله مرکز امور زنان و خانواده با هدف تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان در عرصه‌های اجتماعی و استیفاء حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه زمینه‌ها با تدوین و تصویب «برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» مشتمل بر محورهای

تحکیم بنیان خانواده، بازنگری قوانین و مقررات مربوطه، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، توسعه و ساماندهی امور اقتصادی - معیشتی با اولویت ساماندهی مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست، تأمین اجتماعی، اوقات فراغت، پژوهش، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، ارتقاء سلامت، توسعه توانایی‌های سازمان‌های مردم نهاد، ارتقاء توانمندی‌های زنان مدیر و نخبه، توسعه تعاملات بین‌المللی، تعمیق باورهای دینی و اصلاح ساختار اداری تشکیلاتی زنان و خانواده اقدام قانونی نماید.			
--	--	--	--

بر اساس جدول فوق، برنامه‌ی پنجم توسعه از لحاظ کمی، مواد زیادی را درباره‌ی زنان و عدالت جنسیتی ندارد اما «به امور اجتماع‌محور و خانواده محور زنان پرداخته و اهتمام آن بر مقوله‌ی زنان در قالب خانواده است» (صفری‌شالی، ۱۳۹۴). «ارائه برنامه‌های اشتغال زنان با رویکرد خانواده‌محور شامل دورکاری، اشتغال نیمه‌وقت و کاهش ساعات کاری، گسترش مشاغل خانگی، افزایش مدت مرخصی زایمان، در اولویت قرار دادن زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست در برنامه‌های اشتغال‌زایی زنان؛ تأکید بر مشاغل خانگی، توجه به برنامه‌های توانمندسازی زنان به‌ویژه نخبه و سرپرست خانوار از جمله برنامه‌ها و اقدامات صورت گرفته بوده در دولت عدالت‌محوری است» (قوی، ۱۳۹۱).

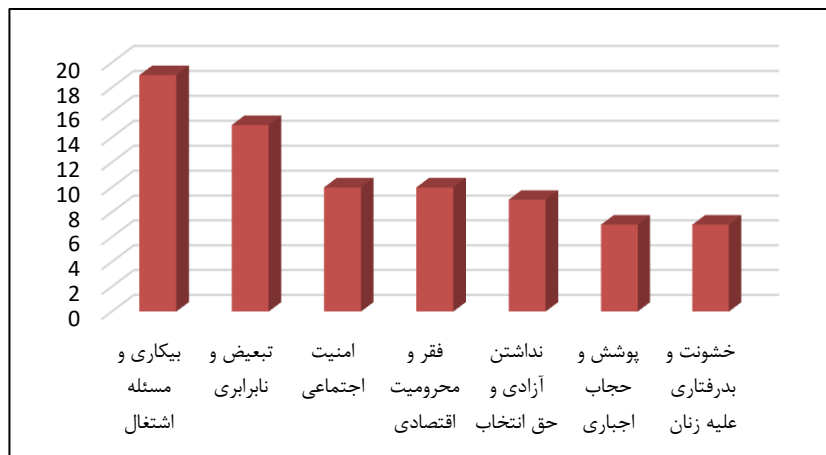
سیاست‌های جنسیتی دولت یازدهم و دوازدهم (دولت تدبیر و امید)

الف - جریان مسئله: در دولت تدبیر و امید نیز علیرغم اقداماتی که دولت‌های گذشته در راستای حل مسائل زنان صورت گرفته بود، هنوز مقوله عدالت جنسیتی از دغدغه‌های اصلی زنان به شمار می‌رفت. در این دوره، پژوهشگران گرانپایه و جوانمرد (۱۳۹۶) با حمایت معاونت امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری اقدام به بررسی مسائل و مشکلات زنان در جامعه ایران نموده‌اند، در این پژوهش از دیدگاه زنان در سطح عام، موضوعات تبعیض (۲۷٪)، بیکاری و مسئله اشتغال (۲۲٪)، امنیت اجتماعی (۲۱٪)، عمده‌ترین مشکلات زنان ایران هستند. نداشتن آزادی و حق انتخاب (۱۶٪)، نداشتن منزلت اجتماعی (۱۴٪)، فقر و محرومیت اقتصادی (۱۴٪) و پوشش (۱۰٪)، در رتبه‌های بعدی قرار دارند. نمودار (۱)



نمودار ۱؛ منبع؛ گرانپایه و جوانمرد (۱۳۹۶)

در پاسخ به این پرسش از زنان که آیا خود شما یا کسی از افراد خانواده با مشکلاتی که در بالا اشاره شد، مواجه شده‌اند، موارد زیر از اولویت برخوردار بوده‌اند: بیکاری و مسئله اشتغال (۱۹٪)، تبعیض و نابرابری (۱۵٪)، امنیت اجتماعی (۱۰٪)، فقر و محرومیت اقتصادی (۱۰٪)، نداشتن آزادی و حق انتخاب (۹٪)، پوشش و حجاب اجباری (۷٪) و خشونت و بدرفتاری علیه زنان (۷٪). نمودار (۲)



نمودار ۲؛ منبع؛ گرانپایه و جوانمرد (۱۳۹۶)

با توجه به یافته‌های پژوهش یاد شده، مقوله عدالت جنسیتی و به‌ویژه مبارزه با تبعیض و نابرابری جنسیتی (اعم از حقوقی، قانونی، آموزشی، شغلی و درآمدی) از دغدغه‌های اصلی زنان در دوره‌ی دولت اعتدال نیز بوده، و زنان همچنان خواهان سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی دولت در خصوص عدالت جنسیتی اقتصادی، عدالت جنسیتی سیاسی، اصلاح قوانین، تأمین اجتماعی زنان، دفاع از آزادی‌های اجتماعی زنان، امنیت اجتماعی، ایجاد فضاهای آموزشی و تفریحی و ... بودند.

شعارهای انتخاباتی دولت اعتدال نشان دهنده توجه به این مسئله قبل از انتخابات بود. بر همین اساس در یکی از شعارهای انتخاباتی بیان می‌کند: «دولت آینده، دولتی است که فرصت برابری برای زنان و مردان ایجاد می‌کند... در برنامه دولت تدبیر و امید، تقویت نهاد خانواده و افزایش رضایتمندی در زندگی خانواده، تقویت جایگاه زنان و نگاه برابر به استعدادهای علمی، پژوهشی و سیاسی و اجتماعی زنان، جبران تفاوت فاحش بین نرخ بیکاری زنان و مردان، ارتقای مشارکت زنان در عرصه‌های مدیریت، برخورداری همه زنان از پوشش تأمین خدمات اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد» (پریزاد و بکند، ۱۳۹۹: ۴۷). بنابراین می‌توان گفت در دولت تدبیر و امید، مسئله عدالت جنسیتی، جلب توجه نمود و یکی از مسائلی است که می‌بایست دولت به آن می‌پرداخت.

ج- جریان سیاسی: در دولت تدبیر و امید با توجه به تأکید بر شعار اعتدال، در موضوع زنان، می‌بایستی «دال مرکزی این جریان، عدالت جنسیتی در راستای مشارکت زنان در توسعه» می‌بود. این دال، نشانه ناتمام ماندن برنامه‌های قبلی، در جهت برقراری عدالت جنسیتی بود (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۶) و در برنامه ششم توسعه پدیدار شده بود.

این جریان با نقد ساختار پیشین و با تعریف مفهوم عدالت جنسیتی و با بهره‌گیری از الگوی ترکیبی برابری + عدالت و با نگرستن به زن به مثابه سوژه مستقل و در عین حال وابسته به خانواده، در پی تثبیت مدل‌های سازگار با نشانه‌ی عدالت جنسیتی برآمد (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۷) و -در شعار و بیان- در پی برپا کردن این موضوع بر آمد که این جریان اعتدال در پی آن است که مسائل زنان را به گونه‌ای مورد توجه قرار دهد که در نهایت، حل مشکلات آنان و بهبود وضعیت و شرایط زندگی زنان به ارتقاء زیست کل خانواده منجر شود و زمینه تحقق دال

مرکزی خود یعنی عدالت جنسیتی و مشارکت زنان در توسعه را فراهم کند. از این رو منشور حقوق شهروندی ارائه شده در دولت اعتدال گرا بر تأمین سلامت جسمی و روانی زنان در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی، مشارکت دادن زنان در سیاست گذاری، قانون گذاری، مدیریت، اجرا و نظارت، مصون نگه داشتن زنان از تعرض و خشونت گفتاری و رفتاری دیگران در تمام محیط های خانوادگی و اجتماعی، ایجاد فرصت های شغلی مناسب و حقوق و مزایای برابر با مردان در قبال کار برابر، مشارکت و حضور زنان در فضاها و مراکز عمومی، تشکلهای سازمان های اجتماعی، فرهنگی و هنری مخصوص خود، دسترسی به امکانات ورزشی و آموزشی و تفریحات سالم با حفظ فرهنگ اسلامی- ایرانی تأکید دارد (مواد ۳، ۱۱، ۸۳، ۸۹، ۹۰، ۱۰۳ منشور حقوق شهروندی).

ج- جریان سیاستی:

سیاست هایی را که گفتمان اعتدال، به عنوان راه حل مسئله زنان و عدالت جنسیتی می دانست، در برنامه ششم توسعه، تنظیم و تدوین شده بود که در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول شماره ۳: برنامه توسعه ششم با تأکید مسئله زنان

برنامه	قسمت	بند	شرح برنامه
ششم توسعه	بخش ۱۴	ماده ۸۰ بند: ت	- حمایت از زنان سرپرست خانوار: تهیه و اجرای کامل طرح جامع توانمندسازی زنان سرپرست خانوار طبق قوانین و مصوبات شورای اجتماعی تا پایان اجرای قانون برنامه توسط ریاست جمهوری (معاونت امور زنان) با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سایر نهادهای ذی ربط و تأیید برنامه مذکور در هیأت وزیران و تصویب در مجلس شورای اسلامی و نظارت بر اجرایی شدن آن.
	بخش ۱۷	ماده ۱۰۱	کلیه دستگاه های اجرایی موظفند به منظور تحقق اهداف مندرج در اصول دهم، بیستم و بیست و یکم قانون اساسی ج.ا.ایران، برنامه ششم و سیاست های کلی خانواده مبنی بر «تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان در همه عرصه ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان» و نیز به منظور بهره مندی جامعه از سرمایه انسانی زنان در فرآیند توسعه پایدار و متوازن، با سازماندهی و تقویت جایگاه سازمانی

برنامه	قسمت	بند	شرح برنامه
			امور زنان و خانواده در دستگاه، نسبت به اعمال رویکرد عدالت جنسیتی بر مبنای اصول اسلامی در سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های خود و ارزیابی آثار و تصمیمات براساس شاخص‌های ابلاغی ستاد ملی زن و خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی اقدام نمایند.
			تبصره ۱- ریاست جمهوری (معاونت امور زنان و خانواده) موظف است ضمن ارزیابی و تطبیق سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های دستگاه‌ها و رصد مستمر ارتقای شاخص‌های وضعیت زنان و خانواده، گزارش آن را به‌طور سالانه به مجلس شورای اسلامی و هیأت وزیران ارائه نماید....
		ماده ۱۰۲	بند ح - تمهیدات لازم از قبیل ارائه تسهیلات جهت افزایش سلامت ازدواج و درمان ناباروری در قالب بودجه سنواتی.
		بند د - حمایت و توسعه بیمه سلامت در بیمه پایه و تکمیلی برای مادران در کلیه مراحل دوران بارداری تا پایان دوران شیرخوارگی.	
		ماده ۱۰۳ بند: ب	ب - وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف است در راستای سیاست‌های تحکیم خانواده ظرف شش‌ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون بررسی و طرح لازم برای ایجاد بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار حداقل دارای سه فرزند را فراهم و جهت تصمیم‌گیری قانونی ارائه نماید.

یافته‌های سیاست جنسیتی دولت سیزدهم (دولت انقلابی و مردمی)

الف- جریان مسئله: مرور حوادث سال ۱۴۰۱ و حضور بسیاری از زنان در آن وقایع نشان داد که باقی ماندن مسائل زنان و سوار شدن دشمن بر این موضوع در جنگ رسانه‌ای-شناختی، پرداختن به مسئله زنان و عدالت جنسیتی بر اساس تعالیم عالیه اسلامی و اسناد بالا دستی نظام را به امری ضروری تبدیل کرده و غفلت از این موضوع یا پاک کردن صورت مسئله در میان مدت و بلندمدت بستر ساز نارضایتی‌های اجتماعی زن‌محور و به تبع آن شکل‌گیری بحران‌های امنیتی خواهد شد. از این‌رو، جریان مسئله در حوزه عدالت جنسیتی هنوز وجود دارد و دولت انقلابی و مردمی سیزدهم باید در این خصوص سیاست‌های درست و آینده‌نگرانه‌ای را اتخاذ نماید.

با نگرش به سخنان رئیس دولت سیزدهم در جمع اقشار مختلف بانوان کشور در ۷ بهمن ۱۴۰۰، ایشان نیز بر «ضرورت توجه به مسائل مربوط به زن و خانواده و نقش آفرینی آنان در

حوزه‌های مختلف، تأکید داشته و معتقدند، قوانین و مقررات متعددی برای حمایت از حقوق زن و خانواده در کشور وجود دارد که لازم است همه این قوانین در راستای حمایت و دفاع از حقوق بانوان گرامی اجرایی شود. دولت با نگاه کارشناسی مسائل مربوط به زنان و خانواده را در دستور کار خود قرار داده و آن را پیگیری می‌کند». بنابراین جریان مسئله زنان و عدالت جنسیتی در دولت سیزدهم نیز فعال است و نیاز به تدوین سیاست مقتضی از سوی دولت دارد.

ب- جریان سیاسی: رویکرد دولت سیزدهم با جریان اصول‌گرایی شناخته می‌شود. اما با توجه به سخنرانی‌هایی که رئیس دولت در خصوص مشی دولت داشتند، دولت انقلابی، دولت مردمی، دولت فسادستیز و دولت عدالت محور را می‌توان از شعارهای دولت سیزدهم برشمرد. براین اساس، رویکرد و قرائتی که دولت ایشان از مسئله زنان و عدالت جنسیتی که متأثر جریان انقلابی و اصولگرایی است، که در گزاره‌های زیر می‌توان تلخیص کرد:

۱. ایفای نقش‌های اجتماعی و مدیریتی بیشتر به زنان. (در دیدار اقشار مختلف بانوان، ۷ بهمن ۱۴۰۰).
۲. استفاده از تجارب زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، ورزشی، اقتصادی و تولیدی. (۷ بهمن ۱۴۰۰).
۳. ایفا نقش تربیتی در خانواده و جامعه. (همایش روز زن، ۱۴۰۱/۱۰/۲۳ و ۱۴۰۲/۷/۱۰).
۴. نگاه انسان تمام عیار به زن و پرهیز از نگاه نازل کالایی غربی و نگاه متحجرانه به زن. (۱۴۰۱/۱۰/۲۳ و ۷ بهمن ۱۴۰۰).
۵. تکریم واقعی مقام زن با توجه به هویت اسلامی (۷ بهمن ۱۴۰۰).
۶. نگاه ایستایی به زن و هم‌دوش مرد. (جشنواره بین‌المللی خورشید، ۱۴۰۲/۷/۱۰).
۷. تأکید بر حمایت دولت از فعالیت و کسب و کار بانوان از جمله در فضای مجازی (در دیدار اقشار مختلف زنان کشور، ۱۴۰۰/۱۱/۷).

ج. جریان سیاستی:

سیاست‌هایی را که گفتمان انقلابی و مردمی، به عنوان راه حل مسئله زنان و عدالت جنسیتی می‌داند، در لایحه برنامه هفتم توسعه ارائه نموده است که در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول شماره ۳: برنامه توسعه ششم با تأکید مسئله زنان

برنامه	قسمت	بند	شرح برنامه
هفتم توسعه	فصل ۱۶	ماده ۷۹	در اجرای بندهای (۱۵) و (۱۶) سیاست‌های کلی برنامه هفتم (تحکیم نهاد خانواده و رفع موانع رشد و شکوفایی بانوان. و افزایش نرخ باروری و مولد) و به منظور تحقق اهداف کمی زیر مطابق با احکام این فصل، اقدام می‌شود: - ترویج الگوهای صحیح همسرگزینی و ترغیب ازدواج به هنگام، آسان و پایدار متناسب با فرهنگ اسلامی-ایرانی و ظرفیت‌های بومی (در قالب برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی) (رشد ۲۵ درصدی)، افزایش مهارت‌های شغلی زنان (رشد ۲۵ درصدی)، مراکز تخصصی مشاوره خانواده، ازدواج و پیشگیری از طلاق (رشد ۲۵ درصدی)، کاهش میانگین سن ازدواج (یک سال)، افزایش نرخ ازدواج نسبت به جمعیت در سن ازدواج (رشد ۵ درصدی)، کاهش نسبت طلاق ثبتی به جمعیت متأهلان (رشد ۵ درصدی)، نرخ باروری کل (رشد ۱۰ درصدی)، افزایش سهم زیرساخت‌های شتاب‌دهی و نوآوری در حوزه زنان و خانواده در مقایسه با سایر زیرساخت‌ها (رشد ۲۰ درصدی)، کاهش سقط جنین غیر قانونی (رشد ۳۰ درصدی)،
		ماده ۸۰	الف - به منظور تحکیم نهاد خانواده دولت مکلف است نسبت به ساماندهی مراکز مشاوره ازدواج و خانواده و فعالیت روانشناسان ازدواج و خانواده دارای مجوز قانونی از دستگاه‌های زیرمجموعه قوه مجریه با هدف ترویج الگوی صحیح همسرگزینی، ترغیب به ازدواج به هنگام و پایدار و همچنین کاهش طلاق اقدام نموده و.... ب - به منظور شناخت تحولات حوزه زنان و خانواده، افزایش کارایی در اقدامات و سیاست‌های مرتبط، اصلاح قوانین و مقررات و بهبود نظام حکمرانی در راستای ارتقای خانواده‌مداری و تقویت رویکرد الگوی ایرانی-اسلامی زن (الگوی سوم)، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری با همکاری دستگاه‌های ذیربط و مراکز پژوهشی و اندیشه‌ورز مکلف است نسبت به تعیین شاخص‌های سنجش وضعیت زنان و خانواده، تهیه اطلس حوزه زنان و خانواده و آینده پژوهی مسائل این حوزه در سال اول برنامه اقدام نماید. پ - وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف است با همکاری معاونت

شرح برنامه	بند	قسمت	برنامه
امور زنان و خانواده ریاست جمهوری و کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان به منظور توانمندسازی و حمایت از زنان سرپرست خانوار و بدسرپرست اقدامات زیر را انجام دهد ت-در راستای اجرای بند (۱۳) سیاست‌های کلی خانواده و سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه با هدف تحکیم نهاد خانواده و پایش (کنترل) و کاهش طلاق، وزارت کشور (سازمان اجتماعی کشور) مکلف است ث-وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف است با همکاری سازمان اداری و استخدامی کشور و معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری نسبت به تهیه مقررات و سازوکارهای اجرایی برنامه اشتغال بانوان با رعایت نقش زن در خانواده با تعیین وظایف و کارکردهای هر یک از دستگاه های اجرایی، ظرف یکسال از لازم الاجرا شدن این قانون جهت تصویب در هیأت وزیران اقدام نماید.			
در راستای حمایت از خانواده و ارتقای کارآمدی ساختار سازمانی در حوزه های خانواده، زنان و جوانان و حمایت همه جانبه از فرزندآوری و رفع موانع و ایجاد مشوق‌های مؤثر و اصلاح فرهنگی اقدامات ذیل انجام می‌گیرد.....	ماده ۸۱		

با نگرش به مفاد برنامه‌ی هفتم توسعه که مبتنی بر گفتمان انقلابی و مردمی تنظیم گردیده است، دولت سیزدهم مسئله‌ی زنان و عدالت جنسیتی را در چارچوب حمایت از نهاد خانواده و افزایش نرخ فرزندآوری قابل حل می‌داند و هرچند بر اشتغال زنان، حمایت از زنان سرپرست خانواده و زنان بی‌سرپرست نیز تأکید دارد، اما اهتمام آن برمقوله‌ی زنان در قالب نقش زن در خانواده بر اساس تعالیم اسلامی است.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت عدالت جنسیتی در شرایط کنونی کشور، در این پژوهش تلاش شده نقش جریان‌های اثرگذار در سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی ج.ا.ایران در چهار دولت اصلاح‌طلب، عدالت‌محور، اعتدال‌گرا و انقلابی در چارچوب مدل سه جریان کینگدان مبتنی بر برنامه‌های توسعه، تبیین و تشریح گردد. بدیهی است این مدل، درک و فهمی مناسب از شیوه سیاست‌گذاری

و جریان‌های اثرگذار بر آن، به مخاطب ارائه می‌کند. افزون بر این، در شناسایی چالش‌ها و مشکلات این حوزه و تدوین مطلوب و ارتقاء کیفیت سیاست‌های بعدی مؤثر خواهد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تلاقی این سه جریان در سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی در دولت‌های ج.ا.ایران اثرگذار بوده است. به طوری‌که، با روی کار آمدن دولت‌ها و تغییر مدیریت کلان کشور، متناسب با گفتمان حاکم بر دولت، سیاست‌هایی در حوزه مطالبات زنان و عدالت جنسیتی اخذ گردیده است. با نگرش به یافته‌های سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی در دولت‌های هفتم الی سیزدهم، نتایج نشان‌دهنده این است که:

با توجه به هشت سال جنگ و لزوم توجه به مسئله سازندگی کشور در بعد از جنگ، مسئله زنان و عدالت جنسیتی در اولویت رسیدگی دولت‌های اول انقلاب و دولت سازندگی قرار نمی‌گیرد. این کم‌توجهی به مسئله زنان و عدالت جنسیتی، «موجب شکل‌گیری یک جنبش آرام زنان و مطرح نمودن مطالبات زنان از طریق برنامه‌های رادیویی و تلویزیون و انتشار مقالات و آثار علمی، در نیمه اول دهه هفتاد می‌شود» (صادقی، ۱۴۰۰: ۷۷). در ادامه، در دولت اصلاحات؛ جریان مسئله متأثر از مطرح شدن مطالبات زنان و کنش‌های آنان فعال شده و توجه دولت و سیاست‌گذاران را به مسئله زنان و عدالت جنسیتی جلب می‌کند.

جریان سیاستی نیز مبتنی بر رویکرد و گفتمان خود (یعنی جریان سیاسی) و با روش ابتکار از بیرون و بهره‌گیری ایده‌ها و راهکارهای واسطه‌ها و نخبگان تلاش می‌کند سیاست‌هایی را برای حل مسائل زنان و برقراری عدالت جنسیتی اتخاذ نماید. به عبارتی پنجره سیاست باز شده و حل آن در دستور کار دولت قرار می‌گیرد. بر این اساس، برنامه سوم و چهارم توسعه با نگاه ویژه به موضوع زنان و مشارکت زنان تهیه می‌گردد. «برنامه سوم توسعه، توانمندسازی زنان و مشارکت آنان در سرنوشت جامعه را هدف‌گیری کرده و تاحدی به نقش‌آفرینی زنان در فرآیند توسعه توجه شده است و با رفع موانع قانونی و ساختاری، به دنبال بالا بردن سهم زنان در توسعه‌یافتگی کشور و افزایش کارایی آنان در رشد کشور است (عباس‌زاده، ۱۳۹۴). برنامه سوم بی‌طرفی جنسیتی را به طور آگاهانه لحاظ کرده است و بر توانمندسازی زنان تأکید دارد (زعفرانچی، ۱۳۸۵). در برنامه چهارم توسعه، برای اولین بار مبحث جنسیت و اختصاص امتیازات ویژه به زنان مطرح و دولت موظف شد با هدف تقویت نقش زنان در جامعه، توسعه‌ی فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت

آنها را در کشور در دستور کار قرار دهد (منصوری، ۱۳۹۴: ۱۶). «در این دوره، وضعیت زنان، حاکی از رشد روندهای مثبتی همچون رشد فزاینده زنان در عرصه اقتصادی و کسب استقلال اقتصادی، رشد فزاینده آموزش در میان زنان، حضور فعال زنان در انتخابات، افزایش حضور زنان در عرصه سیاست، افزایش جذب خدمات بهداشتی و درمانی توسط زنان و... است (مرکز اطلاعات و آمار زنان، ۱۳۸۲). اما برخی روندهای منفی همچون تبعیض حقوقی (حضانة فرزندان، دیه متفاوت زنان نسبت به مردان، سهم ارث)، فرهنگ مردسالاری، مشکلات پنهان زنان و عدم استفاده از زنان در فرصت‌های مدیریتی و سطوح بالای تصمیم‌گیری، حل نشده باقی می‌ماند» (جلائی‌پور، ۱۳۸۵: ۵۳-۴۴).

در دولت عدالت محور علیرغم روندهای مثبتی که در حل مسائل زنان انجام گرفته بود، موضوع عدالت جنسیتی هنوز با ایده‌آل‌های مطلوب مبتنی بر آرمان‌های انقلاب اسلامی فاصله دارد. در این دولت جریان مسئله تحت تأثیر جریان سیاسی حاکم و در چارچوب رویکرد اصول‌گرایی، مورد توجه قرار می‌گیرد و سیاست‌هایی را تصویب و مقوله زنان و عدالت جنسیتی ذیل نهاد خانواده قرار می‌دهد. به عبارتی دو جریان مسئله و جریان سیاسی با هم تلاقی پیدا می‌کند. که نتیجه آن، راه‌کار با روش ابتکار از درون ارائه و اجرا می‌گردد، و نتیجه خروجی نظام سیاست‌گذاری، سیاست‌های ویژه‌ای در حوزه زنان از جمله انتخاب وزیر زن هر چند برای مدت کوتاهی است. علاوه بر این، برنامه‌ی پنجم توسعه از لحاظ کمی، با مواد کمتری به مسئله زنان و عدالت جنسیتی اما با تأکید بیشتری بر آن در قالب نظام خانواده ورود پیدا می‌کند (باستانی و خسروی‌دهقی، ۱۳۹۸: ۳۰). این مسئله حاکی از آن است که جریان سیاسی در چارچوب جریان اصول‌گرایی و تقویت نهاد خانواده در این دولت، در قرار دادن مسائل زنان در دستور کار دولت نقش مؤثری را داشته است.

در دولت اعتدال‌گرا، مسئله زنان و عدالت جنسیتی در سه جریان مسئله، جریان سیاستی و سیاسی با هم تلاقی پیدا می‌کنند و شرایط محیطی برای اقدام فراهم گردید. جریان سیاستی بیشتر متأثر از روش ابتکار از درون (معاونت امور زنان و خانواده) است، هرچند روش ابتکار از بیرون (نخبگان، واسطه‌ها و گروه منافع زنان) نیز تأثیرگذار است. بر این مبنا، برنامه ششم توسعه با لحاظ نمودن مفهوم عدالت جنسیتی در برنامه و تأکید بر این موضوع تهیه می‌شود. در ماده‌ی

۱۰۱ برنامه‌ی توسعه ششم به وظایف دستگاه‌ها در خصوص رصد اجرای عدالت جنسیتی اشاره گردید و تعیین شاخص‌های عدالت جنسیتی ماده‌ی ۱۰۱ به ستاد ملی زن و خانواده سپرده شد (باستانی و خسروی‌دهقی، ۱۳۹۸: ۳۱). علاوه بر این، منشور حقوق شهروندی و توجه به مسائل زنان در این منشور تدوین می‌گردد.

هرچند در این دوره نیز برخی اقدامات در بحث عدالت جنسیتی صورت می‌گیرد اما هنوز زنان با برخی چالش‌ها همچون عدم استفاده از زنان در سطوح مدیریتی و تصمیم‌گیری کلان، توزیع نابرابر قدرت سیاسی، بیکاری و مسئله اشتغال زنان، مسئله افزایش سن ازدواج زنان، مسئله پوشش، تأمین اجتماعی زنان، مشارکت و حضور زنان در فعالیت‌ها و رویدادهای اجتماعی مواجه هستند که دولت می‌بایستی در راستای برطرف نمودن آن مسائل زنان اقدام نماید.

دولت انقلابی در ابتدا معتقد است، قوانین و مقررات متعددی برای حمایت از حقوق زن و خانواده در کشور وجود دارد و دولت باید با نگاه کارشناسی این مسائل را در دستور کار خود قرار داده و آن را پیگیری می‌کند. بنابراین، ایده و راه کار حل مسائل زنان را در پیگیری و اجرای جدی راهکارهای قبلی می‌داند.

بعد از وقایع و حوادث ۱۴۰۱ دولت اهمیت و حساسیت مسئله را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد و تلاش می‌کند در چارچوب جریان انقلابی و با ابتکار از درون، مسائل زنان و به‌ویژه مسئله پوشش زنان را در چارچوب تقویت نهاد خانواده و نقش تربیتی زن در این نهاد دنبال کند. براین اساس اقدام به ارائه و تصویب قانون جوانی جمعیت و حمایت از خانواده می‌کند. در این راستا نیز در چارچوب حمایت از نهاد خانواده و افزایش نرخ فرزندآوری، برنامه‌ی هفتم توسعه که مبتنی بر گفتمان انقلابی است تنظیم و به مجلس ارائه می‌شود. در ادامه، متأثر از مطالبات جدی زنان، رئیس دولت در فروردین ماه ۱۴۰۲ دستور حضور زنان در استادیوم فوتبال را نیز صادر می‌کند.

به طور کلی، همانگونه که اشاره شد، در مدل سه جریان کینگدان، سه جریان کم و بیش مستقل و اثرگذار در فرآیند سیاست‌گذاری وجود دارد که در فرصت‌های مهم با هم تلفیق شده و موجب بازشدن پنجره فرصت می‌شوند. در نتیجه مسئله در دستور کار سیاست‌گذاران قرار می‌گیرد و تغییرات در سیاست‌ها را به دنبال دارد. در بررسی سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی دولتهای ج.ا.ایران در چارچوب مدل سه جریان کینگدان، جریان مسئله، مسائلی را در مورد حقوق و

خواسته‌های زنان مطرح می‌کند، که سیاست‌گذاران بایستی راجع به آنها تصمیم‌گیری کنند. مسائلی که از بدو انقلاب مورد توجه بوده و در ادوار مختلف بعد از انقلاب نیز متناسب با شرایط و افزایش انتظارات جامعه زنان، ذینفعان خواستار اقدام و توجه دولت به این مسائل شده‌اند. برای حل این مسائل، جریان سیاستی، با تمرکز بر راه‌حل‌های تخصصی به روش‌های مختلف از جمله لوایح، سخنرانی‌ها، تحقیقات علمی، و... همواره سعی نموده است مسائل و جایگزین‌های مطلوب را انتخاب نماید. جریان سیاسی نیز مبتنی بر ایدئولوژی و نظام معنایی خود، با درک و قرائتی خاص از مسائل زنان و موضوع عدالت جنسیتی، در تصمیم و تدبیر در این خصوص مؤثر بوده است که ماحصل آن در برنامه‌های توسعه پدیدار است. در بررسی برنامه‌های توسعه به این نکته می‌توان اشاره نمود که پیوند جریان سیاسی با جریان مسئله در باز شدن پنجره فرصت نقش مؤثرتری را در سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی داشته است. این وضعیت نشان‌دهنده این است که جریان سیاسی معتقد است در چارچوب گفتمان و نظام معنایی خود، می‌تواند به مسائل و مطالبات حوزه زنان پاسخ دهد، بنابراین اقدام به اعمال ایده‌های خود در تدوین سیاست‌ها می‌کند که با توجه به درک و فهم متفاوت سیاست‌گذاران از مفهوم عدالت جنسیتی، این موضوع موجب ارائه راه‌حل‌های متفاوت و تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های متفاوت و در نتیجه باقی ماندن بخشی از مسائل شده است.

توصیه‌های سیاستی

با توجه به آنچه گفته شده و به منظور اخذ سیاست‌های مناسب در حوزه مسائل زنان و عدالت جنسیتی در ج.ا.ایران به سیاست‌گذاران توصیه‌های زیر ارائه می‌گردد:

- ۱- طراحی و تدوین نظام جامع مسائل زنان.
- ۲- تعریف واحد از عدالت جنسیتی بر اساس مبانی متعالیه اسلامی و اصول قانون اساسی کشور. «یکی از چالش‌های پیش‌روی سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی، فقدان تعریف واحد از عدالت جنسیتی است. عدالت، ایده‌آل و آرمانی است که همه خواستار آن هستند اما امکان تعریف و تفسیرهای گوناگون از آن وجود دارد. این موضوع برای سیاست‌گذاری که مرحله اول آن تعریف مشکل و مسئله هست، چالش ایجاد می‌کند. در بررسی برنامه‌های توسعه، این موضوع که تعریف درستی از مسئله وجود ندارد مشخص است؛ به عبارتی، جریان مسئله توسط نظام سیاست‌گذاری به درستی درک نمی‌شود. دولت‌ها و جریان‌ها

سیاسی و سیاستی متناسب با تعریفی که خود از مسئله دارند به سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی و حل مسائل زنان می‌پردازند که نتیجه آن حل نشدن بسیاری از مسائل زنان است. بنابراین لازم است برای درک و فهم بهتر مسئله زنان و عدالت جنسیتی، با تدوین شاخص‌ها و معیارهای عدالت جنسیتی، تعریف درستی مسئله صورت گیرد و بر مبنای آن سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شود.

۲- استفاده از نظرات جامعه زنان متخصص در حوزه‌های مختلف، کارشناسان، هیئت‌های اندیشه‌ورز، دیدگاه صاحبان دانش و تجربه، و نخبگان اداری و سیاسی در تهیه بسته‌های سیاستی پخته با نگاه فراجنبی و پرهیز از سیاست‌زدگی مورد تأکید است.

۳- استفاده از الگوها و روش‌های تکنولوژی حل مسئله، به جهت احصاء سیاست درست و بهره‌گیری در نظام تصمیم‌گیری.

۴- به آموزه‌های اصیل دینی، اهداف ملی، قانون اساسی و آرمان‌های انقلاب اسلامی به عنوان راهنمای عمل در رقابت جریان‌های سیاسی در موضوع سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی توجه شود و از حرکت در راستای منافع و اندیشه‌های جریان سیاسی خود و تقابل با جریان سیاسی مقابل پرهیز گردد.

فهرست منابع

- اسمیت، کوین بی و لریمر، کریستفر دبلیو (۱۳۹۶)، درآمدی نظری بر سیاست عمومی، ترجمه‌ی بهزاد عطارزاده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ نخست.
- امین آقایی، مهرناز و مشتاقیان مرضیه (۱۴۰۰)، سیاست‌گذاری و حکمرانی در ایران (مجموعه مقالات)، به اهتمام مسعود درودی، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- باستانی، سوسن و خسروی‌دهقی، کوثر (۱۳۹۸)، موانع و چالش‌های سیاست‌گذاری بر مبنای عدالت جنسیتی، **فصلنامه مسائل اجتماعی ایران**، شماره ۲.
- پریزاد، رضا و بکند، مهدی (۱۳۹۹)، تحلیل گفتمان جایگاه سیاسی زنان در دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی، **مجله بین‌المللی پژوهش ملل**، شماره ۵۷.
- توسلی، حمید (۱۳۸۷)، ارائه هشت مدل عملیاتی در چرخه سیاست‌گذاری برای اجرای مطلوب سیاست‌ها، راهبرد یاس، شماره ۱۵.
- جلائی‌پور، حمیدرضا (۱۳۹۴)، چهار ارزیابی جامعه‌شناختی از موقعیت زنان ایران (۱۳۷۶-۱۳۸۴)، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، دوره پنجم، شماره ۲۱.
- دانشفرد، کرم‌اله (۱۳۹۳)، فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران: انتشارات صفار. چاپ اول.
- زعفرانچی، لیلا سادات (۱۳۸۵)، زنان و خانواده در چهار برنامه توسعه، **فصلنامه مطالعات زنان**، شماره ۳۳.
- سلیمی، ناهید و کاظمی، سیدحسین (۱۴۰۰)، گفتمان‌ها و روایت‌های خط‌مشی‌گذاری عدالت جنسیتی در ایران واکاوی علل و جهات تکرر برنامه‌ها و خط‌مشی‌ها، **فصلنامه زن در توسعه و سیاست**، شماره ۲.
- سلیمی، ناهید و همکاران (۱۴۰۰)، تحلیل گفتمان، چارچوبی برای شناسایی ویژگی‌های خط‌مشی‌گذاری عدالت جنسیتی در ایران، **مطالعات جنسیت و خانواده**، شماره ۲.
- شاهسونی، مجتبی، مولایی، رسول (۱۳۹۴)، بررسی سیر تحول نقش و جایگاه سیاسی - اجتماعی زنان از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، **دومین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی**.
- شجریان، مهدی (۱۳۹۹)، بررسی رویکردهای رایج در مفهوم عدالت جنسیتی، **فصلنامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده**، شماره ۱۲.
- صادقی، الهه (۱۴۰۰)، سیاست جنسیت در ایران معاصر: نقش دولت در تغییر وضعیت و حقوق زنان (۱۳۹۲-۱۳۷۰)، **فصلنامه دولت‌پژوهی**، شماره ۲۷.
- صفری‌شالی، رضا (۱۳۹۴)، تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در لوایح و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ایران، **مطالعات جامعه‌شناختی**، شماره ۲.

■ تحلیل جریان‌های افراگذار در سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی ج.ا.ایران در چارچوب مدل سه جریان کینگدان

- عباس‌زاده، سعیده (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی پنج برنامه توسعه کشور پیرامون دستیابی به عدالت جنسیتی با تأکید بر وضعیت آموزش عالی زنان در ایران و مقایسه آن با وضعیت جهانی، پژوهش‌نامه زنان، سال ششم، شماره ۱.
- عباس‌نیا، اکرم و مصفا، نسرین (۱۳۹۰)، مشارکت سیاسی زنان در ج.ا.ایران در پرتو نظریه توانمندسازی زنان در دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۴ مطالعه کمی، فصلنامه زن: حقوق و توسعه (تحقیقات زنان)، سال پنجم، شماره اول.
- علاقه‌بند حسینی، ملیحه (۱۳۹۳)، نقش رعایت عدالت جنسیتی در افزایش کارآیی فضاهاى شهری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع).
- علی‌پور، پروین و همکاران (۱۳۹۶)، بازنمایی کشمکش‌های گفتمانی عدالت جنسیتی در برنامه‌های توسعه ج.ا.ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۶۶.
- عشقی‌صحرائی، هستی (۱۳۹۶)، بررسی نقش رعایت عدالت در حقوق ورزشی زنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء(ع).
- کرمی‌قهی، محمد تقی (۱۳۹۱)، تحلیل گفتمان سه برنامه توسعه با رویکردی به مسائل زنان و خانواده، فصلنامه رفاه و برنامه‌ریزی اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۳.
- گرانپایه، طاهره و جوانمردی، پروانه (۱۳۹۶)، طرح پژوهشی: مسائل زنان ایران، معاونت امور زنان و خانواده.
- ملک محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۴)، مبانی و اصول سیاست‌گذاری عمومی، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- منصوری، آذر (۱۳۹۴)، زنان در برنامه ششم توسعه؛ رویکردها و الزامات، روزنامه شرق، یکشنبه ۱۲ مهر، شماره ۲۴۱۳.
- میروسی‌نیک، صادق (۱۳۹۴)، توسعه‌ی انسانی و عدالت جنسیتی در رویکرد تقابلی آمارتیسین، مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۴.
- مرکز اطلاعات و آمار زنان (شورای فرهنگی اجتماعی زنان)، مجموعه تحقیقات علوم انسانی در حوزه مسائل زنان، تهران، ۱۳۸۲.
- قوی، نیره (۱۳۹۱)، حضور زنان در انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر بیداری اسلامی، مجله بیداری اسلامی، شماره ۱.
- Anderson, James E. (1994), Public Policymaking: And Introduction, 2nd ed, Geneva, IL: Houghton Mifflin.
- Dror, Yehezkel (1968), Public Policy Making Reexamined, Scranton, PA: Chandler Publishing.
- Kingdon, J. W (1995); Agendas, Alternatives, and Public Policies: Longman Pub Group.
- Lasswell, Harold (1951), the policy Orientation, the policy sciences: recent Developments in scope and Method, ed.
- Smith, Kevin B & Larimer, Christopher W (2009), The Public Policy Theory Primer.

